

## دکتر مهاجرانی: «تئاتر می تواند سرنوشت آدمی را عوض کند»

آقای دکتر مهاجرانی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی دو هنرمند بزرگ بین المللی «ژان کلود کاریر» از کشور فرانسه و «دکتر روبرتو چولی» از کشور آلمان را که میهمان شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر هستند به حضور پذیرفتند و درباره این هنر ارزشمند به گفتگو پرداختند. در آغاز دکتر روبرتو چولی کارگردان آلمانی درباره جشنواره گفت: «در این روزها موفق شدم چند اجرای تئاتری ببینم و شاهد استقبال بسیار مردم در سالن های تئاتر بودم. نماینی دیدم که زندانیان بازیگر آن بودند و در آغاز نمی دانستم که آنها بازیگران حرفه ای نیستند اما با دیدن این نمایش دریافتم که تئاتر من دربار تئاتر درست است: «تئاتر ابزاری است که با آن می توان انسان را شناخت».

سپس دکتر مهاجرانی خطاب به این هنرمند گفتند: «خوشبختانه برخی از هنرمندان تئاتر با نحوه کار هنرمندان آلمانی آشنائی دارند و این مسأله زمینه بهتری را برای روابط هنری بین دو کشور ایجاد می کند. دکتر چولی که از این ملاقات بسیار راضی به نظر می رسید گفت: «در آلمان یک راننده تاکسی را دیدم که ایرانی بود و زمانی که متوجه شد من کارگردان تئاتر هستم و قرار است فاورست گوته را به صحنه ببرم قسمت هایی از فاورست را از حفظ برایم خواند». سپس «ژان کلود کاریر» نویسنده فرانسوی درباره دیدارش از برنامه های جشنواره گفت: «اجرای مثنوی سرخ» را دیدم که بسیار زیبا بود. من سی سال پیش کار تئاتر را آغاز کردم. در آن زمان به دلیل سلطه رسانه ها بر فرهنگ همه می گفتند که تئاتر مرده است». اما من معتقدم بر عکس. از سی سال قبل تاکنون تئاتر بسیار مستحکم تر شده. بطوریکه اگر تمام تکنولوژی رسانه ها را یک کفه بگذاریم و در کفه دیگر بازیگران یک نمایش را؛ حتما کفه تئاتر سنگین تر خواهد بود. پس همانطور که هجوم تکنولوژی جهانی است. مقاومت در برابر آن هم جهانی است و باید جهانی باشد. این حس کلی را در ایران بهتر دریافتم. من نیز چون آقای چولی متقاعد شده ام که تئاتر می تواند نقش بسیار مهمی در جامعه بازی کند. دکتر چولی در تأیید این سخنان افزود: «من آقای کاریر را از کارهایشان می شناختم و در ایران با ایشان آشنا شدم. من هم با ایشان موافقم که تئاتر «مرکز» جامعه است». آنان همچنین تأکید داشتند که تئاتر در ایران بسیار متنوع و زنده است و امکان بیان تئاتری با انواع مختلف شیوه های اجرایی وجود دارد که این نکته بسیار مثبتی است. آقای دکتر مهاجرانی در پایان این دیدار درباره هنر تئاتر فرمودند. من فکر می کنم تئاتر هنری است که می تواند سرنوشت آدمی را عوض کند. سینما در سطح و تئاتر در عمق حرکت می کند. و به همین دلیل توجه خاصی به تئاتر دارم.» و در پاسخ ایشان دکتر چولی گفت: «خوشا به حال اهل تئاتر در ایران که وزیر فرهنگشان با آنان هم عقیده است.»

● دیدار میهمانان خارجی از «مثنوی سرخ»

● هنرمند گرسنگی نداریم

ویژه شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر

تهران ۱۷ تا ۲۷ بهمن ۱۳۷۶

THE 16th FADJR THEATRE FESTIVAL



# درباره پانزده جشنواره تئاتر فجر

— علی فرحناک جایزه سوم کارگردانی برای نمایش «هزار و دومین شب شهرزاد»

— محسن قصابیان، دیپلم افتخار کارگردانی برای نمایش «بین چه برفی می آید»

آراء هیأت داوران تئاتر خیابانی: آقایان حمیدرضا افشار، حسین راضی و علی پویان:

— ابراهیم و علی حسین ترکمن در بخش موسیقی برای استفاده از سازهای محلی در نمایش «خرج بران»

— سید وحید ترحمی مقدم جایزه سوم مضمون نمایشی برای تنظیم نمایش «خط خون»

— مقصود قدیری و عباس عبدی جایزه دوم نمایش خیابانی برای نمایش «خیابانی‌ها و توشه»

— انوشیروان ارجمند جایزه بهترین متن نمایشی برای نمایش «یادباد»

— علیرضا جعفری و شهرام حقیقت دوست مشترکاً جایزه سوم بازیگری نمایشهای «چهره به چهره» و «ابتدا با عشق، انتها با عشق»

— اسماعیل بایگی و برزو ارجمند مشترکاً جایزه دوم بازیگری «خاک خورده‌ها» و «یادباد»

— اصغر زمانی جایزه بهترین بازیگری برای نمایش «خواستگاری»

— مقصود قدیری و بهرام دوست‌قرین مشترکاً جایزه دوم کارگردانی برای نمایشهای «خیابانی‌ها» و «خورشید زیبا»

— احمد طاهونچی بهترین کارگردانی برای نمایش «خاک خورده‌ها»

— اصغر زمانی دیپلم افتخار بخش جذابیت‌های اجرایی برای نمایش «خواستگاری»

— علیرضا استادی دیپلم افتخار بخش بررسی نظرات دریافتی از تماشاگران برای نمایش «جمالی کمالی»

— احمد طاهونچی دیپلم افتخار نمایش برگزیده برای نمایش «خاک خورده‌ها»

هیأت داوران از حضور صمیمی و مؤثر پیشکسوتان هنر نمایش در عرصه تئاتر خیابانی آقایان: هوشنگ بهادری، غلامرضا خورشیدی، رضا امیری، سیدوحید ترحمی مقدم، منوچهر بهروج، افشین علیزاده مقدم و عباس دوست‌قرین نیز سپاس و قدردانی نمود.

احساس ما رابطه برقرار می‌کند. اگر غیر این باشد نمایشگران بی‌چراغی هستند که به قصد آزار این هنر کمر بسته‌اند.» در پایان هیأت داوران برگزیدگان خود را بدین شرح اعلام داشتند:

شهره سلطانی جایزه اول بازیگری زن برای نمایش «شعبده و طلسم»

شبهم طلوعی جایزه دوم بازیگری زن برای نمایش «مراد»

گلبرگ ابوترابیان و شیوا بلوریان مشترکاً جایزه سوم بازیگری زن به ترتیب برای نمایشهای «پوریای دیگر» و «روزهای بلوط»

مریم ابراهیم مطلق و آیدا کیخانی مشترکاً جایزه ویژه کودک به ترتیب برای نمایشهای «ستاره‌های خاموش برج زحل» و «بر کرانه باد»

شهرام نوشیر جایزه اول بازیگری مرد برای نمایش «زلزال‌ترین چیزی که اعتقادم را به من بازگرداند»

هادی فاضلی جایزه دوم بازیگری مرد برای نمایش «تولد دیگر»

فرشید صمدی‌پور و محمدحسین عشقیان مشترکاً جایزه سوم بازیگری مرد به ترتیب برای نمایشهای «تاسویی» و «قلمرو ممنوع»

محمد حاتمی و افشین زارعی، دیپلم افتخار به ترتیب برای نمایشهای «فرود» و «کیست این پنهان مرا»

هیأت داوران هیچ نمایشنامه‌ای را شایسته دریافت جایزه اول نمایشنامه‌نویسی تشخیص نداد.

چیس‌تایثر بی جایزه دوم نمایشنامه‌نویسی برای «شعبده و طلسم»

— نادر برهانی برنده جایزه اول طراحی برای نمایش «هزار و دومین شب شهرزاد»

— احمدرضا رافعی بروجنی جایزه دوم طراحی برای نمایش «هی‌جار»

— صادقی ولزیری جایزه سوم طراحی برای نمایش «روایت لیلی و مجنون»

هیأت داوران هیچ اثری را شایسته دریافت جایزه اول کارگردانی تشخیص نداد.

— احمد رافعی بروجنی جایزه دوم کارگردانی برای نمایش «هی‌جار»



**«پانزدهمین جشنواره»**

جشنواره پانزدهم، از سوم لغایت ۱۰ اسفندماه سال ۱۳۷۵ کار خود را آغاز کرد. دبیرخانه جشنواره‌ها، با بازخوانی ۳۳۰ نمایش متقاضی، ۱۵۸ نمایش را در تهران و شهرستانها بازبینی نمود که از میان آنها ۲۸ نمایش به بخش مسابقه، ۱۰ نمایش به بخش ویژه و ۲۸ نمایش در بخش میهمان و مجموعاً ۸۶ نمایش به جشنواره راه یافتند. در بخش خیابانی نیز ۱۱ نمایش در مکانهای مختلف به اجرا درآمدند.

رحیم نجفی برزرگر، دبیر پانزدهمین جشنواره بود.

هیأت داوران بخش مسابقه این دوره: عزت‌الله انتظامی، دکتر محمود عزیزی، اکبر زنجانی‌پور، سعید کاشن‌فلاح و ایرج راد بودند که در بیانیه خود علاوه بر ذکر ۸ نکته در ارتباط با گروهها، هنرمندان و مسئولین شرکت‌کننده نکاتی را خطاب به تماشاگران تئاتر ابراز داشتند

آنجمله اینکه: «هرگاه از گفتار و حرکات بازیگران دریافتی نداشتید بدانید که آنچه می‌بینید تئاتر نیست و بی‌هنری افرادی است بر روی صحنه. هرگاه خسته شدید و آرزو کردید که زودتر از عذاب حضور در سالن نمایش راحت شوید آنچه می‌بینید تئاتر نیست، بلکه ضد تئاتر است. اگر در صحنه صداقتی ندیدید و صحنه را باور نکردید، آن صحنه، صحنه تئاتر نیست. فریادهای گوش‌خراش و آزاردهنده و بی‌نظمی و آشفتگی بر صحنه تئاتر نیست. چرا که تئاتر هنر است و هنر انبساط می‌آورد، جذاب و دوست‌داشتنی است و به‌واسطه ارزشهای زیباشناسانه با شعور و





# فو: ما ساده حرف می‌زنیم

## درباره داریوفو - برنده جایزه نوبل مصمد اسکندری



تئاتر ما باید تهج کند و برانگیزاند. داریوفو و رام در اواخر سال‌های ۶۰ تئاتر خویش را از سالنهای سرپوشیده و مکان‌های مجلل خارج کرده به اجرای آثارشان در اماکن عمومی، سیرک، کارخانجات قهوه‌خانه‌ها روی می‌آوردند.

بی‌شک تئاتر فو و رام یک واکنش سیاسی است که با حربه طنز، مانند اسلحه بُرنده در ستیز با هر نوع تحمیق اجتماعی بکار گرفته می‌شود. بطور کلی کارهای مشترک این دو هنرمند کم‌دی‌هایی است انتقادی و در نهایت تراژیک، آمیزش موفقیت‌های جدی و تلخ با رفتاری مضحک که دست‌مایه دوزخ آنها بحسبات می‌آید و از پس خنده تماشاگران با شناختی تکان‌دهنده از جامعه روبرو می‌شوند. داریوفو بیشتر از ۷۰۰ نمایشنامه نوشته است و امسال برنده جایزه نوبل شد. در میان آثار فراوان این دو هنرمند سه نمایشنامه زن و بیداری و مده که بصورت یک گویی نوشته شده و به مشکلات زنان در جامعه اشاره دارند که در آن نقش زن بوسیله دولت و جامعه و سنت و اخلاق و نهایتاً فرهنگ مسلط مردسالارانه محدود گردیده است. به‌نقل از داریوفو این تکنوئی‌ها به‌گونه‌ایست که می‌توان با توجه به موفقیت‌های اجتماعی و فرهنگی بینندگان مختلف آن را تغییر داد. آنها مانند اقدام‌های زنده‌ای هستند که از درون در چارچوب اسکلت محکمی به‌هم گره خورده‌اند.

با ترجمه‌ای که از متن زن و بیداری فراهم شد در این اجرا با بهره‌گیری از هر دو متن واحدی حاصل آمده که نشان‌دهنده ستم دهگانه‌ایست که یک زن به‌عنوان کارگر و همچنین زن خانه‌دار آنرا تحمل کرده و زندگی می‌کند.

نهایتاً در نظر این دو هنرمند مشکل‌ترین و مهم‌ترین مسئله برای زن کسب اح ترام و شناخت حقوق وی از سوی جامعه‌ایست که در آن بسر می‌برد - خانه - کار - خیابان

نمایشی، همچون داستان‌سرایی سنتی نقالی، دلکعبازی، بازیهای لال‌گونه، تکنیک‌های جذاب نمایشی کم‌دی دل‌آرته و سبک‌های مختلف اجرایی چون درام - کم‌دی تراژدی توانسته‌اند تئاتری پی‌گیر و پویا را شکل بخشند و آنرا در حمایت از فرودستان جامعه بکار گیرند. استثمارکارگران توسط کارفرمایان، حقوق پایمال شده مردم، بی‌عدالتی به‌زندانان سیاسی، فقیران و خانه‌به‌دوشان و بسیاری دیگر از خواست‌های پایمال شده مردم و وطنشان. «فرانکارام» در کنار داریوفو توانسته خود را به‌عنوان یک فرد سیاسی مهم و طرفدار حقوق زن در جامعه مطرح نماید.

«رام» دست به‌اجراهایی می‌زند که بیشتر تکه‌گویی یک زن است. هر دو با شناخت و لمس مسایل حاد جامعه و بر تکیه بر مایه‌های نمایش سنتی ایتالیا و تئاتر متعهد و سیاسی قرن بیستم و غنای سنت کم‌دی دل‌آرته موفق شدند پشتوانه‌ای عینی جهت ارائه آثار نمایشی فراهم بیاورند. تجربه این دو هنرمند در زمینه‌های مختلف کم‌دی دل‌آرته، تئاتر خیابان و تئاتر کارگاهی یا نگاهی به‌مسائل سیاسی منجر به‌آثاری در قالب طنز تلخ است.

تئاتر «فوورام» که تنها تماشاگر را می‌خنداند و سرگرم می‌کند بلکه سطح شعور و دانش تماشاگر را ارتقاء می‌بخشد و حس مسئولیت را در وی زنده می‌کند.

تئاتر این دو به‌ما می‌آموزد برای دست یافتن عدالت و آزادی یا آسایش و خوشبختی یک‌یک افراد جامعه مسئول هستند. و هرکسی مسئول خوشبختی خویش است. «فوورام» تئاتر خود را که بر پایه تفکرات خویش شکل بخشیده‌اند اینگونه معرفی می‌کنند.

«ما در تئاترمان هرگز به‌بیان روشنفکرانه روی نمی‌کنیم.

ساده حرف می‌زنیم.

اعتقاد داریم تئاتر ما باید پیام‌وزاند

تئاتر ما باید هدف‌مند باشد.»

«لاگوماگیور» واقع در شمال ایتالیا در سال ۱۹۲۶ در خانواده‌ای کارگری پا بعرصه وجود گذاشت.

استعداد و علاقه فراوانش به‌هنر و تلاش و جدیت افزون بر آن موجب گشت به‌عنوان طراح، بازیگر کمیک در نمایش‌های خنده‌دار و سرگرم‌کننده بعد از دوران جنگ جهانی به‌فعالیت بپردازد.

فو، به‌عنوان گوینده نیز در رادیوی ایتالیا به‌ایفای تیپ‌های کمیک پرداخت. در جریان فعالیت نمایشی داریو با فرانکارام آشنا گشت که این آشنایی در سال ۱۹۵۴ به‌ازدواج انجامید. «فرانکارام» که خود از بازیگران سرشناس محسوب می‌شود در خانواده‌ای از گروه بازیگران دوره‌گرد اما معتبر و شناخته شده به‌دنیا آمده بود و قبل از آشنایی‌اش با «داریوفو» توانسته بود سبک‌های مختلف نمایشی را تجربه نماید.

این دو هنرمند با ازدواج با یکدیگر توانستند به‌شهرت و اعتبار خویش به‌عنوان نویسنده و طراح و بازیگر وسعت بخشند.

ایندو در سال‌های پنجاه اجراهای برجسته‌ای را در معرض دید تماشاگران ایتالیایی قرار دادند. و در برابر این فعالیت، در طول سالیان دراز اجراهای تئاتری، هر دو طعم تلخ سانسور و فشار حتی هتک حرمت را نه تنها با زبان که با گوشت و پوست تن خویش چشیده و لمس کرده‌اند.

و مثال آنکه در سال ۱۹۷۳ جنایتکاران فاشیست در شهر میلان پس از ربودن فرانکا وی را بیرحمانه مورد ضرب و شتم قرار داده و جسد نیمه جاننش را در خیابان رها کردند و داریوفو را به‌دلیل اینکه اجازه نداده بود پلیس بر سر تمرینات او حضور داشته باشد زندانی می‌کنند. این دو هنرمند با چهره واحد تئاتری، همکاری مستمرشان را نه تنها در داخل ایتالیا که در خارج از کشورشان ادامه داده و به‌محبوبیتی روزافزون دست یافته‌اند.

این دو با تکیه و بهره‌گیری از نمونه‌های







## با اتفاقی‌هایی که افتاده است خیلی امیدوارم

گفتگو با منیژه محامدی کارگردان نمایش «روز از نو»

است، ما نمی‌توانیم عقب بمانیم، ما باید خودمان را به آنجاها برسانیم و برای همین روز به‌روز باید سعی بکنیم که فرهنگمان را در سطح بین‌المللی هم بالا ببریم.

● خانم محامدی فکر می‌کنید وجود بخش حرفه‌ای در جشنواره امسال چه تأثیری خواهد داشت؟

محامدی - هنوز که نمی‌دانیم چه می‌شود چون این اولین بار است، من در این چند سال اخیر دیده‌ام که بیشتر گروه‌های جوان دارند کار می‌کنند، البته شاید گروه‌های جوان هم حرفه‌ای باشند من اصلاً اینجوری با آنها برخورد نمی‌کنم که آنها حرفه‌ای نیستند، ولی در مورد قدیمی‌ها، بچه‌های قدیمی‌تر، بنظرم می‌آید که مدتی از تئاتر دور بوده‌اند ولی امسال آمده‌اند و باید ببینیم که نتیجه‌اش چطوری است، من فکر می‌کنم که اصولاً باید تئاتر کار بشود حالا با جشنواره یا بی‌جشنواره، باید دوستان قدیم کار بکنند، وقتی استاد‌های خوبمان سر کلاس درس می‌دهند و سالهاست که خودشان این اجازه را نداشته‌اند که یک کار خوب روی صحنه ببرند ما نمی‌توانیم از آنها آنقدر که باید یاد بگیریم و اگر بشود که حرفه‌ای‌های ما، قدیمی‌های ما کار بکنند ما می‌توانیم از آنها بیشتر یاد بگیریم.

● فکر می‌کنید که آیا جشنواره‌ها در این وضعیت که تئاتر ما، از نظر آموزش و از نظر افرادی که در درونش هستند دارد، با کیفیت فعلی‌اش، می‌تواند راهگشا باشند؟

محامدی - نمی‌دانم، ببینید جشنواره اینجوری هست که سالی یک کار می‌آید و می‌رود، چیزی ماندنی نیست که بچه‌ها آموزش ببینند، در شهرستان بچه‌ها یک کاری می‌کنند، دو تا اجرا اینجا می‌گذارند که این مثل یک گان نیمه‌تمام است، چون شما با اجراهای متعدد است که ایرادهایتان را پیدا می‌کنید شب به‌شب بهتر می‌شوید، کار آنطور که باید جا می‌افتد و ارتباط نفس به‌نفس تماشاگر را درک می‌کنید اما وقتی که دو تا اجرا می‌گذارید، می‌روید واقعاً انسان از نظر روحی ارضاء نمی‌شود، ما موقعی باید جشنواره داشته باشیم که آنقدر کار زیاد باشد، آنقدر بچه‌ها آموزش درست گرفته باشند، آنقدر کار شده باشد که چهار تا هم حالا

دنیا می‌رود.

● آیا «داریوفو» تنها به عنوان نویسنده مطرح است؟

محامدی - نه، او خودش کارگردانی هم می‌کند و من عکسهایی از او دارم که نشان می‌دهد که او گاهی اوقات بازی هم می‌کند. همان که گفتم یک گروه حرفه‌ای دارند که همه کار نمایش را خود انجام می‌دهند. منتها این گروه بعضی وقتها خیلی کوچک است مثلاً خودشان دو نفرند و اغلب نمایشهایی که کار می‌کنند خیلی کوچک است بعضی وقتها هم کارهای بزرگ دارند و چون دائماً از یک شهر به یک شهر دیگر می‌روند خیلی از شگردهای گروه‌های کمد یا دلارته را مورد استفاده قرار می‌دهند. صورت حساب پولی که در می‌آورند را برای تماشاگر می‌فرستند، که چه کارهایی با این پولها شده و بهمین دلیل مردم بدون اینکه حتی بیایند و کار ایشان را ببینند مرتب به آنها کمک مادی می‌کنند و گروهشان خیلی مورد تأیید و مورد اعتماد مردم است، بنظرم آدم‌های بسیار درستی هستند و خیلی خوب کار می‌کنند.

● خانم محامدی در مورد اجرای نمایش‌های خارجی ما مدتی دچار این مشکل بودیم که می‌گفتند نمایش‌های خارجی نباید روی صحنه بروند، شما فکر می‌کنید که اصلاً این برخورد، درستی هست؟

محامدی - من شخصاً فکر نمی‌کنم که ما فقط باید در مورد یک جای خاصی صحبت بکنیم البته درست است که ما باید فرهنگمان را بشناسیم و آن چیزهایی را که از گذشته‌مان مانده است را حتماً به‌صحنه بکشیم، خیلی هم خوب است، از آنها یاد می‌گیریم، خیلی برای اجتماع ما خوب است اما مسئله این است که همه نمی‌توانند این کار را بکنند، یک عده در این کار تخصص دارند و بسیار خوب می‌توانند انجامش بدهند اما خود من اگر قرار بشود که کناری از شاهنامه بکنم چون سوادم واقعاً در حدی نیست که بتوانم آن کار را بکنم حتماً کار خوبی نمی‌شود، برای ما همانقدر مهم است مسائل مملکتمان را بدانیم که دنیا را هم بشناسیم ما نزدیک سال ۲۰۰۰ هستیم و تدارکی که در دنیا دارد دیده می‌شود برای سال‌های بعد از ۲۰۰۰

● نمایش «روز از نو» از «داریوفو» را برای بخش حرفه‌ای جشنواره در دست تمرین دارید، کمی راجع به این نمایش صحبت کنید و بگوئید با چه انگیزه‌ای به سراغ آن رفتید.

محامدی - نمایشنامه «روز از نو» در واقع مخلوطی است از دو نمایشنامه «داریوفو» و دو نمایشنامه کوتاه از داریوفو و خانمش «فرانکارام» که باهم کنار می‌کنند و باهم می‌نویسند و باهم کارگردانی و بازی می‌کنند. این دو نمایشنامه را من ترجمه کردم و باهم ادغام کردم به دلیل اینکه یک سری از مسائلمش، مسائل جامعه ما نبود و ضمناً هر دو کوتاه بودند و حاصل آنها نمایشنامه شیرینی شده که در ضمن طنز تلخی در آن نهفته است. این نمایش یک بازیگر دارد، یک زن، که این زن با تنهایی‌هایش و با استثماری که در جامعه و خانه‌اش با آن روبروست تصویر می‌شود.

● در مورد «داریوفو» در ایران اطلاعات ما خیلی کم است اگر امکان دارد در این زمینه اطلاعاتی را در اختیار خوانندگان ما قرار دهید.

محامدی - «داریوفو» که الان نزدیک ۷۲ سال دارد. در حدود چهل سال است که نمایشنامه می‌نویسد و حدود ۷۰۰ نمایشنامه نوشته و امسال بخاطر کارهای خیلی خوبی که داشته، جایزه نوبل گرفته است، به‌خاطر یک کار خاص نیست بلکه بخاطر تمام کارهایی که انجام داده جایزه نوبل گرفته است.

داریوفو با مسائل اجتماعی ارتباط بسیار مستقیمی دارد، به‌مسئله زن بسیار می‌پردازد و به‌مسئله استثمار انسان، او تفرقی مردمی دارد به‌شکلی که برخی به‌وی انگ‌هایی می‌زنند از جمله اینکه عضو حزبهای مختلف است همه اینها را خودش در مقالاتی که نوشته، انکار کرده و گفته است که «من هنرمندم، فقط بازور و ستم مسئله دارم و جزو هیچ دارودسته و حزب گروهی نیستم»، نمایشنامه‌های «فو» اغلب در مورد مسائل اجتماعی است.

داریوفو و همسرش «فرانکارام» که پدر و مادرش کار تئاتر می‌کرده‌اند و عضو گروه دوره‌گرد نمایشی بودند که به‌همه جای ایتالیا می‌رفت از روزی هم که با هم آشنا شدند اغلب کارهایشان را، یا شاید همه کارهایشان را، باهم می‌کنند آنها گروهی در ایتالیا دارند که به‌دور





امکانات را به ما بدهند تا با انرژی بتوانیم کار کنیم.

● در صحبت با آقای مهاجرانی که شما هم تشریف داشتید در مورد تشکیل «خانه تئاتر» پیشنهادی مطرح شد، شما فکر می‌کنید در حال حاضر این مطلب چقدر ضرورت پیدا کرده است؟

محامدی - خیلی خوب است ببینید این انسجام می‌تواند موجب حل برخی از مشکلات ما بشود، یک پشتوانه برایمان باشد یک جایی هست که می‌توانیم به آن پناه ببریم و به آن تکیه کنیم. بسیار مفید است من هم اگر در این ارتباط کاری از دستم بر بیاید کمک خواهم کرد.

● خانم محامدی من دیگر سوالی ندارم اما اگر خود شما فکر می‌کنید که چیزی هست که باید گفته شود بفرمائید.

محامدی - من حرفی ندارم، فقط دلم می‌خواهد که همه‌مان کار کنیم و روز به روز کارهای بهتر، حداقل اگر برای خودمان هم نه، برای این چهار تا دانشجویی که می‌آیند و می‌خواهند یک چیزی یاد بگیرند، یک اتفاقی برای‌شان بیافتد، امیدوارم که بشود البته خیلی امید دارم، با اتفاق‌هایی که افتاده است خیلی امیدوارم.

گروه نمایش «مثنوی سرخ» تقدیر شود. ددتر چولی خطاب به گروه گفت: از نمایش لذت بردم مثنوی خوب با کارگردانی مسلط و آگاهانه بود، دکتر چولی از تاریخ نوشتن متن پرسید و حسینی گفت نسخه‌های اصلی تعزیه حر مربوط به سالهای گذشته است اما این متن امسال نوشته شده است. دکتر چولی برای ابراز خوشحالی خود و همدلی با گروه از حسینی خواست اجازه دهد تا او با تک تک بازیگران گروه دست بدهد و این کار وی و ژان کلود کاریه مورد تشویق تماشاگران قرار گرفت.

ژان کلود کاریه خطاب به گروه و تماشاگران گفت، برای من بسیار جالب است که شما شخصیت‌های مذهبی خودتان را به گونه‌ای زیبا بر صحنه می‌آورید که هم تقدس آنان حفظ می‌شود و هم حضورشان برای تماشاگران ملموس است. ژان کلود کاریه در پایان خطاب به بازیگران که تماماً زندانی هستند گفت: امیدوارم هرچه زودتر از زندان آزاد شوید و وقتی آزاد شدید جنگ درون خود را خاموش کرده باشید همچون خر.

می‌توانند تاثیرگذار باشند و اصلاً فکر می‌کنید چطور ممکن است به وجود بیایند؟

محامدی - بچه‌هایی که خودشان کارگردان بودند، بچه‌های قدیمی، اغلب خودشان گروه داشتند و خوب البته پراکنده شده‌اند، گروه خود من که با رفتنم پراکنده شد، اما اگر به اینها مکانی بدهند، آن وسایل آموزشی که گفتم را در اختیارشان بگذارند و به آنها اجازه بدهند که کار کردن را شروع کنند بعد ما می‌بینیم که پنج تا کار حرفه‌ای که روی صحنه می‌رود، دانشجویی که می‌آید می‌بیند کلی از آن چیز یاد می‌گیرد آنوقت به تجربه خودش کمک می‌شود. گروهها را می‌شود درست کرد یعنی هر کدام از ما اگر امکان برایمان باشد که یک مکانی را به ما بدهند بگویند که این محل در اختیار تو است، و آن امکانات دیگر - نوار، کتاب، مجله‌های خارجی و... را هم در اختیارمان بگذارند و شروع به کار کنیم، من فکر کنم بعد از مدت کوتاهی کارهای خوب خواهیم دید.

● الان خود شما در این کار توانسته‌اید بنیانهای گروه را ایجاد کنید؟

محامدی - به هر حال من و همسر من «محمد اسکندری» سالهاست که با همدیگر داریم کار می‌کنیم و دو نفری یک گروهیم چون همه کارها را خودمان دو نفر می‌کنیم. ولی بچه‌های دیگر هم هستند که دوروبر ما کار می‌کنند، من با خیلی از دانشجویهایم در ارتباطم و با آنها کار می‌کنم، به‌رحال گروه‌هایمان را می‌توانیم بدون هیچ دردسری دوباره راه بیاندازیم منتها باید

نشستند و تا پایان این گفتگو به توسط مترجمین برای تماشاگران ترجمه می‌شد سالن را ترک نکردند. ژان کلود کاریه که از دیدن نمایش خرسند به نظر می‌رسید با تشویق‌های بسیار نسبت به کارگردان و گروه گفت: من زمانی وارد سالن شدم که نمایش آغاز شده بود، اول نتوانستم با نمایش ارتباط برقرار کنم ولی به تدریج که از قصه توسط مترجم آگاه شدم نمایش مرا جذب خود نمود و تا پایان همراه نمایش شدم و بر صندلی نشستم و کار را دنبال نمودم، وی در ادامه گفت، همنازی و هماهنگی کار با وجود بازیگران زیاد بر صحنه زیبایی خاصی به نمایش داده بود.

رضا حسینی به ژان کلود کاریه و دکتر چولی گفت من یک کارگردان جوان هستم که در شهرستان کار می‌کنم. برای من و گروهم افتخار بزرگی است که شما از نمایش من دیدن کرده‌اید. و از آن خوششان آمده، این یکی از روزهای بزرگ زندگی من است. ژان کلود کاریه با لبخندی دوست‌داشتنی گفت: متن بسیار زیبا و کارگردانی سنجیده بود و از قول من از

سمبول جشنواره‌ای داشته باشیم اما به‌عنوان یک کار که باید ما هر سال جشنواره‌ای داشته باشیم، خوب نمی‌دانم. من خودم با جشنواره زیاد نمی‌توانم ارتباط برقرار کنم شاید فکر می‌کنم که هنوز روزه است برای ما که جشنواره داشته باشیم، من فکر می‌کنم اول باید آموزش بدهیم. امکانات آموزشی دانشگاه‌های ما غلط است و کلاس‌های خصوصی‌مان هم همینجوری است اصلاً در این چند سال اخیر هرکس که با کسی آشنا بوده آمده در سینما، آمده در تئاتر و یک بلبشو به وجود آمده است، اول این وضع باید درست شود و تکلیف آدمها با خودشان روشن شود. باید ببینید کجا قرار دارند تئاتر حرفه‌ای چیست؟ نیمه حرفه‌ای چیست؟ دانشجویی چیست؟ یک فرقی باید بین اینها گذاشته شود و یک برنامه‌ریزی‌هایی برای اینها بشود بعد اگر این مسائل خوب برنامه‌ریزی بشود با یک آموزش درست، شاید سالهای بعد خوب باشد ولی من نتیجه‌ای نمی‌بینم یعنی من فکر نمی‌کنم که نتیجه‌ای در این سالهایی که جشنواره بوده، بدست آمده باشد، من فکر می‌کنم اگر پول جشنواره را بگذارند و تمام تئاترها را پر کنند از بچه‌های تئاتر، حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای و آماتور و...، منتها با تقسیم‌بندی سالن‌ها و برنامه‌ریزی. ما از این طریق چیز بیشتری یاد می‌گیریم ما مدت‌هاست تئاتر نمی‌بینیم و وقتی نبینیم خوب ذهنمان کم‌کم بسته می‌شود.

● گروه‌های ثابت نمایشی در تئاتر ما چقدر

دیدار میهمانان خارجی از «مثنوی سرخ»

ژان کلود کاریه منتقد، نویسنده، تحلیل‌گر تئاتر از کشور فرانسه و دکتر روبرتو چولی کارگردان تئاتر از کشور آلمان که میهمانان ویژه شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر هستند در روز چهارشنبه ۲۲/۱۱/۷۶ در مجموعه آزادی از نمایش «مثنوی سرخ» به کارگردانی رضا حسینی از شهرستان تربیت‌حیدریه دیدن کردند. «مثنوی سرخ» نگاهی تازه و نو است با اجرای مدرن بر تعزیه حر که بازیگران آن را تماماً زندانیان، زندان تربیت‌حیدریه تشکیل می‌دهند، در پایان نمایش، زمانی که تماشاگران با کف‌زدن گروه را تشویق می‌کردند و بازیگران در حال ترک صحنه بودند، آقای ژان کلود کاریه و دکتر روبرتو چولی از کارگردان تقاضا کردند که گروه بر صحنه بماند و آنان به همراه مترجمین خود به روی صحنه رفتند و با کارگردان و گروه به گفتگو پرداختند. تماشاگران که آماده ترک سالن بودند با دیدن این صحنه دوباره بر صندلیها



## خانه تئاتر یکی از ضرورت‌های کشور ما است

و منتقد بسیار تا بسیار به کار تئاتر می‌آید. البته در این بین هم مسئولین و هم هنرمندان تئاتر می‌بایست آدم‌هایی نقادپذیر باشند و حتی به نقدهای به اصطلاح منفی، هم توجه کنند. چه بسا با مطالعه و شنیدن انتقادهای (که همیشه هم منفی نیست) راه کارهایی برای رسیدن به وضعیت بهتر پیدا شود. و همچنین این نکته هم درباره نقد گفتنی است که در طبقه‌بندی و تعریف نقد و منتقد هم باید تجدیدنظر و اصلاحاتی به عمل آید. شاید کانون ملی منتقدان تئاتر جمهوری اسلامی ایران بتواند بحث‌هایی علمی و کارشناسانه را درباره وظایف نقد و منتقد دامن بزند و برون‌د بهبود و نقد در تئاتر ایران یاری رساند.

● چندی است که طرحی با عنوان «خانه تئاتر» مورد بحث می‌باشد آیا شما نیز لزوم ایجاد این تشکیلات صنفی را حس می‌کنید؟ چرا؟

امینی - پاسخ به این سؤال نیز از دو زاویه قابل طرح است: اول اینکه - باز هم به گفته شما در یک شرایط آرمانی - خانه تئاتر یکی از ضرورت‌های تئاتر کشور ماست. ماوا و مامنی است که می‌تواند به هنرمندان تئاتر هویتی اجتماعی ببخشد و آنها را در زیر یک چتر گروه آورد تا بتوانند مشکلات یکدیگر را حل کنند.

از زاویه دیگر می‌توان به گفتن یک جمله اکتفا کرد: «ابتدا برادری خود را ثابت کنید و بعد...» توضیحاً اینکه خانواده تئاتر زمانی می‌تواند در زیر چترخانه تئاتر گروه آید که این خانه بر دوستی، مهر، دوری از حب و بغض و غرض و حسادت و... بنا شود.

● به نظر شما جایگاه منتقدان ما در این میانه کجاست؟ و آیا کانون ملی منتقدین در این راستا فعالیت‌هایی خواهد داشت؟

امینی - «کانون ملی منتقدان تئاتر» در دوره جدید فعالیت خود قرار است به نقد و بررسی وضعیت موجود؛ اعم از سیاست‌گذاری در تئاتر کشور و نمایش‌های روی صحنه بپردازد. همچنین حضور در مجامع و همایش‌های نقد جهانی و دعوت از منتقدان و کارشناسان تئاتر جهان در گردهمایی‌های تئاتری کشورمان از دیگر فعالیت‌های این کانون است.

پیشکسوتان در بخشی با عنوان ویژه نمایش‌های خود را در معرض دید و قضاوت قرار دهند که جای خوشحالی دارد و مسلماً انتظار من به عنوان یک منتقد انتظاری است که از یک استاد و صاحب‌نام تئاتر می‌رود.

● بسیاری از صاحب‌نظران وضعیت تئاتر کشور را بحرانی ارزیابی نموده‌اند نظر شما در این رابطه چیست؟ اگر با ایشان موافقتی به نظر شما این بحران چگونه و به چه ترتیب به وجود آمده است؟

امینی - بله. می‌توان بر بحرانی بودن وضعیت تئاتر صحه گذاشت و برای آن دلایل متعددی آورد، که ذکر برخی از آنها به پاسخ چگونگی ایجاد این بحران می‌انجامد. از جمله:

الف - عدم ارتباط متقابل تئاتر ایران و جهان (حتی با کشورهای همسایه مثل تاجیکستان و پاکستان و... که برخی از آنها دارای تئاترهای خوب هستند)

ب - فقدان منابع مطالعاتی و کتاب‌ها نظری تئاتر و همچنین عدم توجه کافی به پژوهش‌های تئاتری

ج - بلا تکلیفی بسیاری از هنرمندان تئاتر از استادان و پیشکسوتان گرفته تا هنرمندان و دانشجویان جوان. به گونه‌ای که بسیاری از هنرمندان تئاتر برای گذران زندگی و رسیدن به ثبات، فعالیت در سینما و سیما را به تئاتر ترجیح می‌دهند.

د - فقدان طبقه‌بندی هنرمندان و سالی‌های تئاتری، به عنوان مثال، زمانی تالار مولوی صرفاً به اجراهای دانشجویی اختصاص داشت و مجموعه تئاتر شهر در اختیار کسانی بود که به لحاظ تجربه و تخصص در رده‌های بالاتر و با تعریفی مشخص قرار گرفته بودند و... اما طی چند سال اخیر سلیق در انتخاب افراد و نمایش‌ها جای بسیاری از معیارهای علمی و عملی را گرفته است.

● به نظر شما از نقادان تئاتر در این وضعیت کاری ساخته است؟ اگر نه، چرا؟ اگر آری، چه کاری؟

امینی - «نقد» و «منتقد» - به ویژه در تئاتر - از همان بحث‌های همیشگی و قابل مناقشه است. و قطعاً در یک وضعیت به قول شما «آرمانی»، نقد

## گفتگو با رحمت امینی

منتقد تئاتر



● شما فکر می‌کنید که برگزاری این جشنواره‌ها، به شکلی که تاکنون رایج بوده است تأثیری در وضعیت تئاتر ما داشته است؟ این تأثیر مثبت بوده است یا منفی؟ چرا؟

امینی - قطعاً پاسخ این سؤال مثبت است. از یک زاویه می‌توان گفت: حداقل حسن برگزاری جشنواره‌ها زنده نگاه داشتن «نام» تئاتر و در برق و کرنا کردن آن در مراکز رسمی و دولتی و ایضاً رسانه‌های گروهی است و از زاویه دیگر برگزاری جشنواره‌های تئاتری به مثابه داروی مسکنی است که درد را برای مدت محدودی ساکت می‌کند اما موجب درمان آن نمی‌شود و چه بسا که در ادامه این درمان موقت مرگ بیمار رقم زده شود.

● با توجه به وجود بخش حرفه‌ای در جشنواره امسال شما به عنوان یک منتقد تئاتر چه انتظاری از این بخش دارید؟

امینی - به زعم بنده، هنوز ما برای اصطلاحاتی مثل حرفه‌ای و یا تئاتر حرفه‌ای به یک نقطه مشترک نرسیده‌ایم. یعنی اطلاق این واژه به بعضی از گروه‌ها و افراد در وضعیتی معنا پیدا می‌کند که تکلیف تئاتر از خیلی جهات روشن شده باشد. من فکر می‌کنم که تئاتر حرفه‌ای ما هم‌اکنون در تئاترهایی مثل لاله‌زار، گلرین، دماوند و... جریان دارد. یعنی در آن مکان‌ها دارای یک چارچوب مشخص است. اینکه چهره‌های معروف (که با رسانه سیما یا سینما) به شهرت دست پیدا کرده‌اند - ولو با یک نمایش - به صحنه بیایند، و نام حرفه‌ای برخوردار و نمایش خود بگذارند، ما دارای تئاتر حرفه‌ای نشده‌ایم. البته امسال - ظاهراً - قرار است استادان و





### ای دژ هوش رُبا

هوش من را مَرُبَا

وسوسه‌های دژ هوش ربا وسوسه شاهزادگان قصه مولوی بارها گریبان حقیر را گرفت تا مرا به ورطه هلاکت بیاندازد اما هر چه زور زد نتوانست. مطمئناً غیر من هم نمایشگران دیگری بوده‌اند که به وسوسه اجرای این قصه پرداخته‌اند ولی هیچکدامشان مثل این بنده خدا (تاجبخش فنائیان) به دام این دژ هولناک نیافتاد تا مجبور شود با امکانات حرفه‌ای یک اجرای آماتور داشته باشد. ای مولوی کاش به هنگامی که این قصه را می‌سرودی قلمت می‌شکست تا سبب‌ساز بی‌هوشی دوستان هنرمند ما نمی‌گشتی، آخر بی‌انصاف لااقل به او مهلت می‌دادی برای ارائه هنرش یک دیالوگ قشنگ یا یک میزانشن درست ارائه دهد.

من دعا می‌کنم که هیچ یک از هنرمندان تئاتر بعد از این گرفتار دژ هوش ربا نشود شما هم بگوئید آمین. **ابو قراضه**

تئاتر لذت ببرم؟ نه! این برف را دیگر سر بازیستادن نیست. برفی که به موی و بر ابروی ما می‌نشیند. هر چه هست در نهایت اگر هم ما صاحب یک «تکنیسین برجسته حرفه‌ای تئاتر» - و حتی یک کارگردان خوب تئاتر چینی باشیم - از یاد نمی‌بریم که چیزی بر وسعت و فراخنای تئاتر معاصر ما افزوده نشده «وو» کیست؟ این شکمباره پرخور حرافب حسنان. او نه یک دانشمند که یک فرصت‌طلب دغل‌کار است و حتی برای شکم پل بسته است تا از ابروی خویش بگذرد. اجرای دکتر رفبعی را به دلیل وابستگی‌اش به اصول و امهات نمایشی چینی چه از نقطه نظر طراحی صحنه و دکور و نور و بازی‌ها و تکنیک‌های پکینگ ابرایی‌اش (Pecking opera) ارج می‌نهم و حضور این تئاتری سخنه و پخته را قدر می‌دانم اما نمایش «وو» حرکتی در سطح و مسطح بود و ای کاش در انتخاب‌ها با تردید و تشکیک بیشتر عمل کنیم. البته این متن در سال ۱۳۵۶ با ترجمه خوب «لیلی گلستان» با عنوان دو نمایشنامه چینی چاپ شده بود و به یاد می‌آورم که اجرای آن حتی بزرگ رکن دیگری از اهالی تئاتر را وسوسه کرده بود. در هر حال نیت خیر مگردان که مبارک فالی است ... و ما در برابر دانشمند «وو» حرفی جز ابراز تأسف از سقوط و تلاشی دانش و هنر تا سطح یک «هنرمند گرسنگی» نداریم و راستی را که گیرم یک اجرای عالی تمام عبارات تاریخ تئاتر چین را دیدیم و حظ بردیم اما این دفتر خالی تا چند ورق خواهد خورد و ما دوره می‌کنیم.

شب را و روز را هنوز را ...

دیدگان جمعیت مشتاق تماشاگر نشانگر آن بود که این حیات برتر وجه مشترک بازیگر و تماشاگری است.

این چند سطر را از سوی خود و ستاد



برگزاری جشنواره به کارگردان، بازیگران و دست‌اندرکاران تعزیه زیبای «مثنوی سرخ» از تربت‌حیدریه که از زندان آمده‌اند اما یکی از ستارگان آسمان جشنواره بوده‌اند، تقدیم می‌کنم و آرزوی بهروزی و سربلندی برایتان دارم.

حسین سلیمی

که باید در اوج و غایت و نهایت آسمانی‌اش جست و یافت. اما دانشمند بزرگ «وو» به واقع با آن گفتار پایانی یادآور این شعر سعدی است که:

اندرون از طعام خالی دار  
تا در آن نور معرفت بینی

پیام خاصش را می‌رساند. «وو» حکایت‌گر هنرمند گرسنگی کافکاست. اما کدام هنرمند و چه دانشمندی؟ «وو» این شکمباره دل بسته و وابسته به این شکم بی‌هنر پیچ بیچ در واقع در نمایش بر ضد خود عمل می‌کند شعار آخرینش که کم و بیش و با اغماض بسیار تنها حرف در خور نمایش است باز هم نه سخن یک پیر فرزانه که باز هم شعار یک شکمباره است. «وو» در آخر می‌گوید که چرا باید این همه اسب و علیق و علف را بر این هستن دون نثار کرد؟ هستنی که با استغنا و مویه توأم است، گیرم برای لحظه‌ای سیرکردن این شکم لاکردار، سیری که «وو» دارد البته نمایشگر کار یک کهنه‌کار حرفه‌ای است و دردا و دریغاً که من این روزها در این ادوار و افلاس و در این عسرت و مصیبت چه بی‌رحمانه در پی نه خنده که زهرخند و نه نگرستن که گریستن؟ این چه حایل بی‌مرزی است میان مخاطب امروزین بازاران عهد قدیم که انیس و جلیس‌اند و حالیه حتی حکمت بالغه یک اجرای حرفه‌ای پاکیزه و تر و تمیز از یک متن چینی را - با همه ویژگی‌های حرفه‌ایش - در متن جشنواره فجر در نمی‌یابم؟ اجرا پیراسته و پاکیزه، بازی‌ها خوب، روایت حساب شده اما در کل که چی؟ من نه در سکنج دنج «مون مارت» هستم و نه «آوینون» را به تماشا نشسته‌ام تا من از یک اجرا خوب یک معلم

### دلوری خَر بر صحنه

این بار رایحه عشق از میان بندهایی به مشام رسید که از پائین‌ترین سطوح مذلت، دست به ریسمان بلند و نجات‌بخش حسین بن علی (ع)

زده بودند و راه آزادی را در درون خود می‌جستند. باورم نمی‌آمد که نمایش اینچنین صیرت انسانها را دگرگون می‌سازد، اما هنگامی که آنها از مثنوی سرخ حسین (ع) می‌گفتند، دلوری خَر را ترسیم می‌کردند و سر سجده بر خاک صحنه می‌سائیدند، به این باور رسیدیم که نمایش آنها حیاتی برتر با خود دارد. اشکهای

### «هنرمند گرسنگی» نداریم

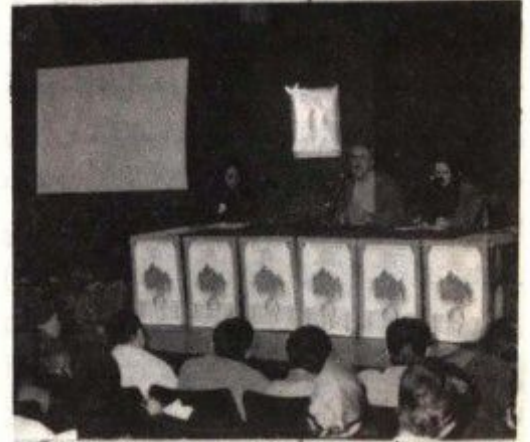
همایون علی‌آبادی

یک بار دیگر علی رفبعی این معلم ورکین تئاتر ایران با اجرایی کامل از یک متن نمایش چینی در متن و زمینه و زمانه جشنواره تئاتر فجر چهره می‌کند. از آنستیکونه و رویاها و خاطرات و کابوس‌های یک جامه‌دار از زندگی و مرگ میرزا نفی خان امیرکبیر و شیون و استغنا پای دیوار بزرگ شهر تا بعد از انقلاب و یادگار سال‌های شن چیزی نه به حد یک گشت و واگشت مسطوره‌ای از صاحب این قلم که کارنامه یک عمر است حتی آن اجرای آدابته از متن رمان «جنایت و مکافات» بزرگ مسلمی چون داستایفسکی این طرفه و یگانه عرصات عصر و نسل و اثر که بر تارک تمامیت ادبیات جهان خوش نشسته است. حالیا علی رفبعی متنی از یک نمایش چینی را جانمایه و درون‌مایه کار خویش قرار داده. نمایشی که خیلی خوب روایتش را به بازپسین لحظه‌ها و لمحات می‌کشاند و چارچوب قصه‌اش را از نظر وفاداری به تاریخ تئاتر چینی حفظ می‌کند. نمایش چینی نمایش زمینی و اکتونی و اینجایی است. نمایشی است که با اخلاقیات و اساساً درون و کنه و بن و بیخ بشری سر و کار دارد. این گفتار معمول و شناخته شده‌ای است که چینی‌ها با زمین سرو کار دارند نه با آسمان. و آسمان از متن هنر چینی و اینجا نمایش چینی به زمین و زمانه و اکتون سقوط می‌کند. زندگی را نه در ورای همین هستن فیزیکی





## «کاریر» در سالن رودکی



گزارشی از سخنرانی ژان کلود کاریر در جشنواره

ژان کلود کاریر نویسنده و دراماتورژ فرانسوی که میهمان شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر است در روز ۲۴ بهمن ماه ساعت ۲ بعدازظهر در سالن رودکی تالار وحدت سخنرانی کرد. در لحظات نخست جمعیتی حدود صد نفر در سالن بودند اما پس از چند دقیقه جمعیت کثیری به سالن رودکی آمدند و با علاقه‌مندی به سخنان آموزنده این هنرمند بزرگ گوش فرادادند. ژان کلود کاریر در این گردهمایی سخنان خود را بر چگونگی اجرای نمایش «کنفرانس پرندگان» که متن آن را همراه با گروه کارگردان مشهور اروپا «پیتر بروک» براساس اثر جاویدان «عطار»، یعنی «منطق الطیر» به صحنه آوردند متمرکز کرد. اما نخست به تشریح دقیق مفهوم «دراماتورژ» به عنوان «مسئول متن» پرداخت و سپس ضمن توضیحات مفصلی گفت که کار خلق این اثر به صورت تئاتر سالها طول کشید. او همچنین به تشریح جزئیات همکاری‌اش با بروک و گروه او برای یافتن شیوه‌های اجرا پرداخت که حدود دو ساعت به طول انجامید. سپس جمعیت حاضر حدود یک ساعت پرسش‌های خود را با وی مطرح کردند و او با دقت فراوان به تمامی آنان پاسخ گفت.

این جلسه که با استقبال بسیار زیاد شرکت‌کنندگان در شانزدهمین جشنواره روبرو شد در ساعت ۵ بعدازظهر خاتمه یافت، ضمن اینکه حاضران درخواست کردند آقای کاریر فرصت دیگری را نیز برای گفتگو درباره نمایش به هنرمندان بدهند.

## امروز در جشنواره

تالار وحدت - ساعت ۱۷/۳۰ و ۲۱/۳۰، بخش ویژه «زنان صبرا و مردان شتیلا»، کار «قطب‌الدین صادقی»  
تئاتر شهر - سالن اصلی، ساعت ۱۷/۳۰ و ۱۹/۳۰، بخش ویژه، «کنار شیر آتش نشانی»، کار «فرهادناظرزاده»  
سالن چهارسو - ساعت ۱۷ و ۱۹، بخش ویژه، «کارنامه بندار بیدخش»، کار «بهرام بیضانی»  
سالن شماره ۲ - ساعت ۱۸ و ۲۰، بخش ویژه، «روز از تو»، کار «منیژه محامدی»  
سالن قشقای - ساعت ۱۶/۳۰ و ۱۸/۳۰، بخش سنتی و آئینی «خیمه شب بازی»، کار «اصغر احمدی»  
تالار مولوی - ساعت ۱۶ و ۱۸، بخش مسابقه، «آرش در تیغ آفتاب»، کار «فردوس حاجیان»  
تالار سنگلج - ساعت ۱۷/۳۰ و ۱۹/۳۰، بخش مسابقه، «پل کتون»، کار «شایق - نوبقی» از بروجن  
تالار هنر - ساعت ۱۹ و ۲۰، بخش مسابقه، «آه اسفندیار مغموم»، کار «اسد اسدی» از پولادشهر  
تالار حرکت - ساعت ۱۸ و ۲۰، بخش مسابقه، «کارت پستال»، کار «عبدالحسین ظاهری» از کرمانشاه  
تالار محراب - ساعت ۱۷ و ۱۹، بخش میهمان، «غروب یک روز یارانی»، کار «محمودرضا رحیمی»  
تالار اسوه - ساعت ۱۷ و ۱۹، برگزیده جشنواره دانشجویی، «افسانه پری و چوپان»، کار «محمدحسین شریعتی»  
تالار فارابی - ساعت ۱۵/۳۰ و ۱۷/۳۰، بخش جوان، «بازی خانه»، از دانشکده هنرهای زیبا  
مجموعه آزادی - ساعت ۱۷ و ۱۹، بخش میهمان، «کرده‌علی»، کار «شمس ا. اکبری» از خمین  
فرهنگسرای نیاوران - ساعت ۱۷ و ۱۹، برگزیده جشنواره آئینی و سنتی، «سلطان مار»، کار «گلاب آدینه»  
محل اقامت هنرمندان - ساعت ۲۱ تا ۲۳، تحلیل و سخنرانی، «علی رفیعی»

## و اما امروز در جشنواره تئاتر خیابانی

کوی دانشگاه امیرکبیر - ساعت ۱۱، «امتحان»، کار «محمد الهی» از مشهد  
کوی دانشگاه امیرکبیر - ساعت ۱۲، «مرثیه آب»، کار «رضا حیدری» از تهران  
دانشگاه صنعتی شریف - ساعت ۱۱، «روزنامه»، کار «مهرداد رایانی» از تهران  
دانشگاه صنعتی شریف - ساعت ۱۲، «آفر و وطن»، کار «فاروق کیانی» از تربت‌جام  
کوی دانشگاه شهید بهشتی - ساعت ۱۱، «یک روز خوش»، کار «بابک والی» از تهران  
دانشگاه الزهرا - ساعت ۱۱، «سد معبر»، کار «حمید کاکاسلطانی» از تهران  
دانشگاه الزهرا - ساعت ۱۲، «همسایه‌های ناجور»، کار «بهزاد شکارچی» از تهران  
دانشگاه تهران - ساعت ۱۱، «مرثیه آب»، کار «رضا حیدری» از تهران  
دانشگاه تهران - ساعت ۱۲، «تیک تاک»، کار «محمدرضا صدیقی» از تهران  
تئاتر شهر - ضلع شرقی، ساعت ۱۶، «تیک تاک»، کار «محمدرضا صدیقی» از تهران  
تئاتر شهر - ضلع شمالی، ساعت ۱۷، «امتحان»، کار «محمد الهی» از مشهد  
میدان راه‌آهن - ساعت ۱۶، «سد معبر»، کار «حمید کاکاسلطانی» از تهران  
ترمینال جنوب (اتوبان بعثت)، ساعت ۱۶، «خاصیت سکوت»، کار «آرش قایق‌ور» از فولادشهر  
پارک خیام (خیابان ۱۷ شهریور)، ساعت ۱۶، «روزنامه»، کار «مهرداد رایانی» از تهران  
زیر برج آزادی - ساعت ۱۶، «گرگ کتابخوان»، کار «حمیدرضا مرادی» از تهران  
بازار گل (پارک لاله) - ساعت ۱۶، «خوب یا بد»، کار «حسن خلیلی‌فر» از تهران  
پارک شهر (خیابان حافظ) - ساعت ۱۶، «یک روز خوش»، کار «بابک والی» از تهران  
بوستان خواجه (میدان غار) - ساعت ۱۶، «همسایه‌های ناجور»، کار «بهزاد شکارچی» از تهران  
گذر فرهنگ و هنر (کارگر شمالی) - ساعت ۱۹/۳۰، «امتحان»، کار «محمد الهی» از مشهد

## تئاتر، تئاتر است

گزارش ملاقات دکتر چولی با

هنرمندان تئاتر خیابانی

ساعت ۱۱ صبح روز جمعه ۲۴ بهمن ماه «روبرتو چولی» کارگردان آلمانی که میهمان شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر است با هنرمندان تئاتر خیابانی طی جلسه‌ای به گفت و شنود پرداخت. در این جلسه که هنرمندان نمایش‌های خیابانی جشنواره حضور داشتند وی درباره این نوع نمایش گفت: «تئاتر، تئاتر است و فرقی نمی‌کند که در خیابان اجرا شود یا در هر محل دیگری. آنچه اهمیت بسیار دارد این است که گروه اجراکننده بتواند با تماشاگر خود ارتباطی درست برقرار کند و تئاتر در لحظه اجرا قدرتمند باشد. در هنر بازیگری تنها فراگیری و مهارت در فنون کار کافی نیست، بلکه هنرمند تئاتر باید به آنچه می‌کند ایمان داشته باشد». این

جلسه که حدود دو ساعت به طول انجامید با طرح پرسش‌های حاضران ادامه یافت و دکتر چولی در مورد «نوع» تئاتر توضیح داد: «من میل ندارم هنر نمایش را عنوان‌بندی کنم و برای هر گروهی طبقه‌بندی خاصی قائل شوم. نفس تئاتر رویدادی فرهنگی است که بهیچوجه در طبقه‌بندی‌های خاصی نمی‌گنجد. جلسه یاد شده در ساعت ۱۲ خاتمه یافت.

## نمایش

ویژه شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر

زیر نظر لاله تقیان

مدیر داخلی مریم آقائی

مدیر هنری حجت ترصدی

حروفچینی شهناز یوسفی، فاطمه شفیعی

مسئول روابط عمومی فاطمه کبیریان

عکس حجت ترصدی، اختر تاجیک